

ادامه از صفحه ۴

کرونا و آسیب‌پذیری نظام سرمایه‌داری

در چنین شرایطی، صنعت هواپیمایی، کسب‌وکارهای مرتبط با سفر و گردشگری و بنگاه‌های فعال در حوزه بازاریابی برندهای لوکسی که خریداران طبقه مرفه چین مقاصی آن بودند، با کاهش ناگهانی در تقاضا مواجه شده است. برآوردهای مربوط به این گروه کسب‌وکارها حکایت از آن دارد که خریداران چینی دوینچم تقاضای ۲۸۰ میلیارد یوروبی محصولات لوکس در سال ۲۰۱۹ را تشکیل می‌داده‌اند؛ بمطالوه ۸۰ درصد از افزایش فروش این محصولات نیز مربوط به مشترکان چینی بوده است.
باین‌همه، شوک وارده بر اقتصاد فقط در سمت تقاضا نبوده است. با پذیرش نقش محوری چین در بخشی از زنجیره ارزش جهانی به‌عنوان عرضه‌کننده تولیدات واسطه‌ای و نهایی، توقف تولید در این کشور در دیگر کشورها انعکاس داشته است. بازار پررونق گوشی‌های تلفن هوشمند، از برند آیفون محصول شرکت اپل آمریکا گرفته تا شانومی که تولید چین است، همگی وابسته به کارخانه‌های چینی از جمله چندین کارخانه در شهر ووهام هستند که با کاهش ناگهانی در عرضه مواجه شده‌اند؛ به‌طوری‌که شرکت اپل مجبور شده عرضه چندین‌تن مدل تلفن همراه خود را به تأخیر بیندازد. البته مشکلات ناشی از شیوع ویروس کرونا صرفاً محدود به تولید محصولات نهایی نبوده است. برای نمونه شرکت‌قیات‌کریسلر اعلام کرده است که به دلیل کاهش تولید قطعات وارداتی، سطح تولید خود را کاهش می‌دهد.
صنعت داروسازی هند نیز با توقف تولید و به تبع آن افزایش قیمت دارو مواجه شده است؛ زیرا عمده مواد واسطه‌ای صنعت داروسازی این کشور از چین وارد می‌شود که درحال‌حاضر تولید آنها متوقف شده است. کاهش تولید چین در پی شوک‌های عرضه و تقاضا به دلیل شیوع ویروس کرونا خیلی زود به بقیه دنیا سرایت می‌کند؛ در نتیجه دیگر کشورها نیز در پی این شوک مواجه می‌شوند. در سطح تولید، اشتغال و درآمد را تجربه خواهند کرد که این خود بار دیگر به تشدید رکود در چین منجر خواهد شد؛ بنابراین آیدیمی ویروس کرونا دیگر یک پدیده مختص چین نیست؛ همان‌طور که با تشدید بیماری در ایران، ایتالیا و کره جنوبی مواجه هستیم و انتظار می‌رود در آینده کانون‌های دیگری مانند چین ظهور کنند. پیامدهای مشابه آنچه در چین اتفاق افتاده است، همراه با حرکت‌های موجی –حتی در اندازه‌های کمتر- در دیگر اقتصادها نیز بروز خواهد کرد. این کشورها دیگر تنها عاملی برای تشدید موج رکود ناشی از شیوع کرونا در چین نیستند؛ بلکه خود عامل انتشار موج خواهند شد. هم این عوامل نشان‌دهنده آن است که چشم‌انداز رکود اقتصادی جدی است و فضای چندان‌ی برای خوش‌بینی وجود ندارد. در چنین وضعیتی هیچ بخشی در اقتصاد به اندازه سرمایه‌گذاران بازار سهام خشونت‌نستند. آنها از سرآیزش‌ن تقلیدکنی ازگان از سوی بانک‌های مرکزی به بدنه اقتصاد سرسست شدند. در پی تریق پول کم‌بهره که تحت سیاست‌های نولیبرالی از طرف بانک مرکزی انجام می‌شود، سرمایه‌داران شروع به فعالیت‌های سوداگرایانه در این بازار کرده‌اند؛ با این باور که گویی این میهمانی پایانی ندارد. رونق بازار سهام، حتی پس از جان‌باختن هزاران نفر بر اثر پلنا به ویروس کرونا نیزهمچنان ادامه داشت؛ تاجایی‌که در ۲۰ فوریه تحلیلمان با هشدار خوش‌بین گلدمن‌ساکس- شرکت خدمات مالی و بانکداری چندملیتی در آمریکا- به سرمایه‌گذاران درباره برآورد کمتر از واقع اثرات ویروس کرونا بر بازار سهام هشدار دادند. این تحلیلمان معتقد بودند که پیش‌بینی «تعديل» با کاهش ۱۰ درصد با بیشتر شاخص‌های بازار سهام افریقا آمیز است. در آن زمان سهام برندهای خاصی مانند «اپل» پیش‌بینی کاهش اندک درآمد را در مقایسه با برآوردهای اولیه مطرح کردند یا حتی پیش‌بینی می‌شد که ارزش سهام آنها ممکن است کاهش پیدا کند. این برآوردها واکنش سرمایه‌گذاران را در پی داشت؛ به‌نحوی‌که شاخص‌های سهام در هفته منتهی به ۲۸ فوریه تعدیل شدند. وقتی شاخص‌های بازار سهام به بالاترین قیمت خود برسند، آغاز مارجاس، در بحران مالی سال ۲۰۰۸ ثابت شد که اثرات خارجی در بازار سهام می‌تواند به سقوط شدید شاخص بینجامد. تکرار این تجربه در چنین شرایطی کاملاً محتمل است؛ به‌ویژه اگر بحران اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا تشدید شود. شکنده مالی ویژگی مهم بازارهای مالی است. در طول یک‌دهه، به دلیل سرآیزش‌ن پول کم‌بهره به بازار و به علت وابستگی بیش از حد تولید به سیاست‌های پولی ((ازجمله افزایش حجم پول و کاهش نرخ بهره) شرکت‌ها وام‌های کلانی دریافت کردند. با توجه به اینکه انتظار می‌رود بحران کرونا بنگاه‌های مالی و بانک‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و بسیاری از این شرکت‌ها از تحمل فشار بازپرداخت کالاها و بهره واد ناتوان خواهند بود، این امر به نوبه خود بحران ازبنده خواهد کرد؛ بنابراین سیاست‌های نولیبرالی و مالی، شکنندگی است که راه‌که خود ناشی از آزادسازی تجاری و مقررات‌زدایی و جهانی شدن نامتقارن بوده، تشدید کرده است. چشم‌انداز رکودی دیگر، به‌ویژه رکودی عمیق، بسیار دلهره‌آور است؛ زیرا به نظر می‌رسد دولت‌های دیگر توانایی چینی برای مقابله با چنین بحرانی ندارند. پیش‌بینش نولیبرالیسیسم به این معناست که سیاست‌های فوشار چندانی ندارد؛ سیاست‌هایی که در زمان بحران باید با فرض گرفتن تأمین مالی شوند. از سوی دیگر، وابستگی بیش از حد به سیاست‌های پولی نرخ بهره را به پایین‌ترین سطح کاهش می‌دهد و به جای افزایش تقاضا برای کالاها و خدماتی که به رشد اقتصادی منجر شود، به جنون سوداگرایانه در بازارهای دارایی دامن می‌زند. در نتیجه امکان بهره‌گیری از اهرم پولی برای مقابله با رکود وجود ندارد؛ بنابراین ویروس کرونا علاوه بر اینکه سلامت زندگی انسان‌ها را با مخاطره جدی مواجه کرده است، شکنندگی نظم اقتصادی لیبرالی را آشکار کرده و توانایی دولت‌های نولیبرال را در خروج اقتصاد جهانی از این بحران به چالش کشیده است.

ادامه از صفحه ۴

برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت سدها (حداکثر ۱۴روزه) برای مدیریت وقایع جدی نظیر سیلاب‌ها انجام می‌شود. عوامل مؤثر در این برنامه‌ریزی عبارت‌اند از: حجم موجود مخازن سدها، محدودیت‌های فنی بهره‌برداری سد نظیر پایداری، نیروگاه و دیگر مجاری تخلیه، محدودیت‌های تاب‌آوری رودخانه‌های پایین‌دست و پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت بارش تا ۱۴ روز که این پیش‌بینی‌ها تا پنج روز پیش از رخداد سیل دقت مناسبی دارند. مدل‌های بارش-رواناب موجود و استخراج سناریوهای مختلف و اعمال قضاوت کارشناسی، میزان خروجی سدها و اعلام هشدار لازم را تعیین می‌کند. برنامه خروجی‌ها هم به صورت روزانه و در شرایط حاد روزی چند بار پایش و به‌هنگام‌سازی می‌شود. رهاسازی آب از سدها هم تا زمانی که آب در حد به خطر انداختن پایداری سد نرسد، ملاحظات اجتماعی و اقتصادی غیر از ملاحظات کارشناسی هیدرولوژیک دارد؛ اما وقتی پایداری سد به خطر بیفتد، به دلیل ابعاد فاجعه انسانی و اقتصادی ناشی از خطر شکستن سدها، دیگر تابع این ملاحظات نبوده و صرفاً براساس ضوابط فنی و دستورالعمل‌ها خواهد بود؛ بنابراین در شرایط عادی، میزان خروجی سد، مقداری از پیش تعیین‌شده نیست و ملاحظات اقتصادی و اجتماعی دارد.

همه سدها برای کنترل سیلاب ساخته نمی‌شوند. منحنی فرمان سدها هم معمولاً در ابتدای هر سال آبی تنظیم می‌شوند و براساس نظام‌نامه سیلاب وزارت نیرو با پایش میزان بارش‌ها و رواناب رودخانه‌ها و فرآیندهای پیش‌بینی، متناسب با سناریوهای مختلف به‌هنگام می‌شوند. مهم اصلاح و به‌هنگام‌سازی منحنی فرمان سدهاست که تابع دقت پیش‌بینی‌های فصلی و سالانه است. اگر این‌گونه داده‌های ما که از هواشناسی به دست می‌آیند، دقیق نباشند، منحنی فرمان هم دقت به‌هنگام نمی‌شود.

نتیجه آخر اینکه رابطه سد و سیلاب را فقط در خود سازه سد و مدیریت آن نبینید. پایین‌دست سد هم خیلی مهم است. فرض کنید آب طبق یک منحنی فرمان دقیق رهاسازی شود. اگر ظرفیت آب‌گذری پایین‌دست بر اثر اقدامات ساخت‌وساز، کشاورزی یا تخریب حریم و بستر کم شده باشد، رهاسازی طبق منحنی فرمان منکلی را حل نمی‌کند. نکته بسیار مهم این است که سد یک سازه نیست، یک سامانه مرتبط با باقی سامانه‌های اطراف خود در حوضه آبریز است. سد با ساخت‌وساز و شهرسازی در پایین‌دست، کشاورزی، تخریب محیط زیست در بالادست که مبزب رسوب می‌شود و با کیفیت داده‌هایی که هواشناسی برای تولید منحنی فرمان در اختیارش می‌گذارد، ارتباط دارد. این ارتباط را اگر نبنینم، درباره سدها و ظرفیت‌شان برای مدیریت منابع آب با اثرشان بر خسارات ناشی از سیل، سخت خطا خواهیم کرد.

ک طرح توسعه سواحل مکران یکی از طرح‌های مهم توسعه‌ای کشور است؛ اما به نظر می‌رسد این منطقه در مقابل سیلاب آسیب‌پذیر است. برای کنترل این رواناب‌ها چه رهاکاری دارید؟ زیرا با توجه به توپوگرافی منطقه امکان ایجاد مخازن بزرگ مثل حوضه غرب وجود ندارد.

استانداری استان نقش مهمی در اجرای طرح‌های توسعه سواحل مکران دارد. پیشنهاد من این است که همین منطقه مکران اولین منطقه اجرای یافته، در درس آموخته‌های رهاکاری و توصیه‌های «هیئت ویژه گزارش ملی سیلاب‌ها» باشد. کار توسعه‌ای زیادی در این منطقه قیلاً انجام نشده و کلاً بی‌سوان آن را نمونه آزمایشی توسعه مبتنی بر آمایش سرزمین و از منظر کار وزارت نیرو، توسعه مبتنی بر مدیریت سازه‌ای و غیرسازه‌ای سیلاب قرار داد.

این پیشنهاد مبتنی بر توسعه پایدار ماست؛ اما در شرایط فعلی و با برنامه‌ای که الان تدوین شده، مهار سیلاب‌ها و کنترل آن مستلزم اجرای طرح‌هایی است که قبل مطالعات آن شروع شده و به دلیل کمبود اعتبارات تکمیل نشده‌اند. برخی از این طرح‌ها عبارت‌اند از: سد صفرقد در بالادست سد زیردان با حجم مخزن حدود ۵۵ میلیون متر مکعب با پیشرفت فیزیکی ۸۵ درصد در مرحله مطالعاتی فاز یک؛ سد ترادان بر روی یکی از سرشاخه‌های پایین‌دست زیردان با حجم مخزن حدود ۱۲۰ میلیون متر مکعب با پیشرفت ۶۰ درصد در فاز مرحله مطالعاتی یک؛ افزایش حجم سد پیشین از طریق نصب دریاچه‌های جدید (افزایش حجم از ۱۷۵ به ۲۵۰ میلیون متر مکعب)، و پیشرفت حدود ۲۰ درصد در مرحله مطالعاتی فاز دو؛ تکمیل عملیات اجرایی سد کبیر با حجم مخزن ۲۱۴ میلیون متر مکعب و پیشرفت فیزیکی اجرایی ۸۴ درصد؛ و سد کرابانی در منطقه زرزآباد بر روی رودخانه رایج با حجم مخزن حدود ۵۰۰ میلیون متر مکعب با پیشرفت ۴۵ درصد در مرحله مطالعاتی فاز یک. مظان این رودخانه در سیل دی ۱۳۹۸ با بیک سیلاب ۱۲ هزار متر مکعب بر نائیه، لزوم احداث سد را دوجندان کرد. انجام مطالعات در مناطقی که امکان احداث سد مخزنی وجود دارد؛ نظیر سدهای سرباز، پایین‌دست، سرکان و نظایر آن هم ضروری است. انجام مطالعات تعیین حریم و بستر رودخانه‌های اصلی از جمله کاجو، سرباز، باهوکلات و رایج هم باید تأمین اعتبار شود. بهتر این است که از فرصت استفاده کنیم و توسعه سواحل مکران را با رویکرد بین‌بخشی، مبتنی بر مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب، با رویکرد سازگاری با کم‌آبی و آمایش آب‌محور و با ترکیب روش‌های سازه‌ای و غیرسازه‌ای مدیریت منابع آب انجام دهیم. شاید هیچ منطقه دیگری در کشور وجود ندارد که به این اندازه دست‌نخورده باشد و بتوان از ابتدا مدلی از توسعه سازگار با کم‌آبی و تاب‌آور از منظر مدیریت سیلاب و مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب را در آن اجرا کرد و الگویی برای بقیه کشور ساخت.

ک دقت پیش‌بینی‌ها در حوضه شرق و جنوب شرق مهماند حوزه غرب نیست آیا برنامه و متولی برای این امر و طراحی یک دیسپاچینگ مشابه آب برق خوزستان در نظر دارید؟

یک سامانه پایش و پیش‌بینی سیلاب مستلزم بر بخش‌های متعددی است که اصلی‌ترین آنها زیرسامانه‌های پیش‌بینی بارش و شبیه‌سازی تبدیل بارش به رواناب است. زیرسامانه پیش‌بینی بارش عمدتاً بر پایه مدل‌های عددی پیش‌بینی کوتاه‌مدت آب و هوا، قادر است بارش را در افق زمانی سه تا چهارروزه با دقت مناسب پیش‌بینی کند و در افق زمانی طولانی‌تر (تا ۱۰ روز) نیز چشم‌انداز مناسبی از میزان بارش محتمل ارائه می‌دهد. مختار مدل‌های عددی پیش‌بینی کوتاه‌مدت آب‌وهوا، شبک‌های است، به عبارت دیگر در این نوع مدل‌ها، برای یک شبک‌ه به طول و عرض مثلاً ۱۰ کیلومتر، باید همه پارامترهای ورودی به مدل داده شده و مدل یک عدد به‌عنوان پیش‌بینی بارش ارائه می‌دهد. برای این کار هم به سوپرایکمپیوترهای بسیار قوی با ظرفیت بالای محاسباتی نیاز است. وجود برخی خطاها در پیش‌بینی بارش، در شرایط فعلی با توجه به دسترسی‌ناشدن به سوپرایکمپیوترهای بسیار قوی، اجتناب‌ناپذیر است. اطلاعات ورودی دیگری به مدل‌ها هم ضروری است که اکنون در کشور این مجموعه اطلاعات در دسترس نیست. تنها گزینه در دسترس، استفاده از نتایج مدل‌های جهانی است که این نتایج در مناطق غربی کشور به دلیل تعداد بیشتر ایستگاه‌های هواشناسی متصل به پایگاه‌های اطلاعاتی جهانی هواشناسی از دقت بالاتری در مقایسه با مناطق شرقی برخوردار است. بخش‌های شرقی کشور در مقایسه با مناطق غربی تحت تأثیر پدیده‌های جوی پیچیده‌تری هم قرار دارند و تحولات جوی آنها متاثر از پدیده‌های مهم‌اند نمونوس هند و تغییرات آب‌ای اقیانوس هند و دریای عمان نیز هست؛ یعنی درست در منطقه‌ای که رویدادهای اقلیمی پیچیده‌تر است، ایستگاه‌های هواشناسی جهانی هواشناسی کمتری هم وجود دارد و مشکل بیشتر می‌شود. میزان نفوذپذیری و جذب آب به وسیله خاک در اغلب مناطق شرقی و جنوب شرقی کشور، به دلایل مختلف ازجمله متغیرهای زمین‌شناختی پایین است. نبود پوشش گیاهی مناسب در این مناطق هم میزان نکه‌داشت سطحی رواناب را کاهش می‌دهد. بخش درخور توجهی از بارش‌ها در این مناطق به همین دلایل به رواناب تبدیل شده و ایجادکننده سیلاب‌های بزرگ می‌شوند. ساختگاه‌های مناسب

اقتصاد

تخریب برخی ویلاهای حریم رودخانه تبعات سیاسی دارد



سدسازی (با احجام بالا) در این مناطق هم کم است و دست ما برای مدیریت سازه‌ای سیلاب در این منطق به اندازه غرب کشور باز نیست.

دیسپاچینگ به مفهومی که در سازمان آب و برق خوزستان از آن استفاده می‌شود، شامل تعدادی ایستگاه باران‌سنجی، هیدرومتری، پایش تراز آب در مخازن سدها و موارد مشابه برخط است. وجود این نوع سامانه بیش از آنکه در مدیریت ریسک سیلاب (پیش از وقوع) مؤثر باشد، در مدیریت حین بحران و تنها برای برخی حوضه‌های آبریز کاربرد خواهد داشت. رودخانه‌های منتهی به استان خوزستان، امکان استفاده از سامانه دیسپاچینگ به‌عنوان یک سامانه پیش‌بینی بسیار کوتاه‌مدت را فراهم می‌کند؛ اما در حوضه‌های آبریز شرق و جنوب شرق کشور رودخانه‌ها عمدتاً کوچک هستند و زمان رسیدن رواناب به حوضی حوضه اندک است و سیلاب در زمان بسیار کوتاهی رخ می‌دهد. ایجاد سامانه دیسپاچینگ از منظر پیش‌بینی شرایط سیلابی و مدیریت مخازن سدها پیش از وقوع سیلاب، ارزش افزوده‌ای برای این مناطق ندارد.

ما به دنبال توسعه سامانه‌های دیسپاچینگ در هر منطقه‌ای خواهیم بود که کاربرد داشته باشد و اگر بخش شرقی کشور هم به کارپذیری‌بودن آن برسیم، این سامانه را برای آن منطقه هم توسعه می‌دهیم. یکپارچه‌سازی زیرساخت‌های موجود در سایر استان‌ها در حال پیگیری است. دیسپاچینگ ملی از ابتدای سال جاری در شرکت مدیریت منابع آب ایران راه‌اندازی شده است و با استان‌هایی که به صورت محلی اقدام به راه‌اندازی مرکز مانیتورینگ کرده‌اند، در ارتباط است.

ک ضرب‌المثل معروفی در هند هست که می‌گوید یک سد فول بد، یک انتخاب است برنده بشود! این نظر شما سیاسی بوده یا سوان آن مسائل بیرونی آن مثبت یا منفی است؟ اگر مفرّی از سیاسی شدن مسائل آب نیست، وزارت تحت مدیریت شما چگونه با این موضوع تعامل کرده است؟

این بحث خیلی پیچیده است و باید نکته به نکته جلو برویم. نکته اول، گذاردید بحث را از اینجا شروع کنم که بخشی از مسئله‌شدن سدسازی در ایران از نگاه همه یا هیچ، سا همان نگاه صفر و یکی به مسئله ناشی می‌شود. سدها سازه‌هایی نیستند که راحت بتوان درباره آنها قضاوت کرد. سدهای بزرگ اغلب چندمنظوره‌اند و برای ذخیره آب در مخزن، آبیاری و توسعه کشاورزی، تأمین آب شرب، بهداشت و صنعت، کنترل سیلاب، تولید انرژی برقی است و منظورهای دیگر استفاده می‌شوند. خشک‌سالی‌ها و خالی‌ماندن مخزن برخی سدها منتقدان سدها را ترغیب می‌کند که هزینه‌های ساخت سدها و پیامدهای محیط‌زیستی آنها را نقد کنند و بارش‌های شدید هم طرفداران سدها را تشویق می‌کند تا فواید سدها برای ذخیره آب و ممانعت از سیلاب و بروز خسارات را پررنگ کنند. طرفداران سدها دائم می‌گویند توسعه کشاورزی و تولید انرژی برق‌آبی میلیون‌ها انسان را از خطر گرسنگی نجات داده و رفاه به ارمغان آورده و در مقابل منتقدان سدها عواقب محیط‌زیستی آنها را که سبب آسیب به بیکره‌های آبی می‌شود، مسریه‌ای حرکت ماهی‌ها را تخریب می‌کند، به آب‌های زیرزمینی پایین‌دست، سرکان و نظایر آن هم ضروری است. انجام مطالعات تعیین حریم و بستر رخ می‌کشد. دو ظرف دلایلی برای ادعاهای خود دارند. تصور تکنید که یک طرف کاملاً درست می‌گوید و طرف دیگر هیچ استدلالی ندارد و صرفاً با اتکا به قدرت سیاسی کار سدسازی پیش رفته است.

نکته دوم، تعداد سدهای بزرگ جهان (بیش از ۱۵ متر ارتفاع دیواره) را بیش از ۴۵ هزار سد اعلام کرده‌اند. پس ما تنها کشور دنیا هستیم که از این فناوری استفاده می‌کنیم.

نکته سوم، ساخت سدهای بزرگ در همه دنیا هزینه‌بردار است. براساس مطالعه در برزیل، مصر و همان هند که از آن ضرب‌المثل نقل کردید، نشان می‌دهند فواید اقتصادی سدها برای گروه‌های فقیر، متوسط روستاییان و کشاورزان صاحب زمین زیاد است و سدها ابزار قدرتمندی برای کاهش فقر هستند.

نکته چهارم، کمیسیون جهانی سدها که گزارش «سدها و توسعه» را در سال ۲۰۰۰ منتشر کرد و در سال ۱۳۸۵ هم گزارش به فارسی ترجمه شد، ذکر می‌کند که جریان شدید سدسازی عمدتاً در نیمه دوم قرن بیستم به گونه‌ای بود که در آن همه‌وزه پیمان ساخت بین دو تا سه سد بزرگ امضا می‌شد و در این دوره بیش از دو هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ساخت سدها صورت گرفته که فایده‌اش امنیت غذایی، اشتغال و توسعه مهارت‌ها، برق‌رسانی به روستاها و توسعه زیربنای فیزیکی و اجتماعی مانند جاده و مدرسه بوده است. فکر تکنید که کل جهان صرفاً دست‌خورد کار بی‌اسی را در مبنای منافع سدهاها انجام می‌ی‌داده است. نکته پنجم، آیا در چنین پروژه‌های عظیمی، همه چیز بدون اشتباه پیش رفته است؟ فکر نمی‌کنم هیچ‌کسی در جهان مدعی چنین چیزی باشد. اشتباهاتی حتما صورت گرفته است که این اشتباهات ممکن است در همه ابعاد ارزیابی اقتصادی، محیط‌زیستی و… سدها باشند. آیا باید به واسطه اشتباهات، سدسازی را کلاً تعطیل کنیم؟ آیا شما به واسطه اینکه با چاقو آدم می‌کنند، چاقوسازی را تعطیل می‌کنید؟ نه. مسئله این است که چگونه باید این صنعت را سامان داد، تحت نظارت کرد و از آن استفاده کرد که سبب خسارت نشود.

نکته ششم، سد سامانه بسیار پیچیده‌ای است و همان‌گونه که شما هم اشاره کردید و از گفته‌های من هم پیداست، در جایی که سدهای بزرگ و اصلی جهان هزینه‌های زیادی در بر دارند و فوایدی هم برای اشتغال، کشاورزی و کسب‌وکارها دارند، طبیعی است که در معرض اعمال نظرها سیاسی هستند. راه‌اکار این نیست که سدسازی را تعطیل کنید؛ بلکه باید این صنعت پیچیده را تحت نظارت کارشناسی، رویه‌های سخت‌گیرانه و حداقلش پیش‌بینی رویه‌های بهره‌بردار ی بهره‌ور قرار دهید.

نکته هفتم، من ندیده‌ام که منتقدان و مدافعان سدسازی، به همان اندازه‌که برحرارت رویه‌روی هم صف می‌کشند تا حرف‌های اتنشین صفر و یکی بزینند، درباره چگونه تحت نظارت قراردادن نظام تصمیم‌گیری و اجرا برای ساخت سدها و تعریف رویه‌های مناسب برای بهره‌بردار ی از آب سدها به نحوی که جریان رودخانه، آب زیرزمینی پایین‌دست و مردم بالادست در مخزن ضربه نخورند، بحث کنند.

نکته هشتم، این قضیه و مسئله واقعا خسارت‌بار بخشی‌نگری در همین عرصه هم بروز و ظهور دارد. تصمیم‌گیری درباره ساخت سد در وزارت نیرو و زیرمجموعه‌هایش صورت می‌گیرد و در بعضی اوقات برای بحث سیاسی و حرارت رسانه‌ای ایجادکردن، اغلب هجمه به یک دستگاه توجیه می‌شود؛ اما بهره‌برداری از سد براساس ترکیبی از تقاضای بخش کشاورزی، صنعت و شرب، حفظ محیط زیست رودخانه و بیکره‌های آبی و کنترل سیلاب صورت می‌گیرد. طبیعی است که خسارت‌های محیط‌زیستی محصول عملکرد کمنی و کیفی در بخش کشاورزی، شرب و بهداشت هم هست. آیا نباید کلیت نظام مدیریت منابع آب شامل همه بخش‌های مصرف‌کننده آب، تولیدکننده، امرار و اطلاعات هم موضوع نقد و بررسی قرار گیرند؟ نباید سازوکارهای اقتصادی مولد این وضعیت را تحلیل کرد؟

نکته نهم، ما کم‌کاری کرده‌ایم، طرفداران و منتقدان سدسازی هم کم‌کاری کرده‌اند. کم‌کاری ما چیست؟ این است که اگر جهان بالاخره در قالب گزارش کمیسیون جهانی سدها، کتاب «سدها و توسعه» را برای ارزیابی سدسازی در جهان منتشر کرد و ده‌ها جلد کتاب برای ارزیابی سدسازی در جهان می‌توانید پیدا کنید؛ اما ما این کار را نکردایم. نوشتارهای رسانه‌ای، مصاحبه و فیلم و کلیپ درباره سدسازی زیاد هست؛ اما نه ما آن‌قدر داده‌های خود درباره سدها را به اشتراک گذاشته‌ایم که محققان استفاده کنند، نه محققان دست به کار ارزیابی امصری زده‌اند که هزاران میلیارد تومان در چند دهه گذشته در کشور صرف آن شده است. ما وقتی درباره این صنعت، دانش اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی از منظر ارزیابی توسعه‌ت تولید نمی‌کنیم، میدان برای بحث سیاسی باز می‌شود. مدیر ما هم در فقدان چنین شفافیتی، دانش و اطلاعاتی، زیر بار فشار سیاسی قرار می‌گیرد.

آب و شست‌وشو مهم‌ترین ابزار مقابله با کروناست. درحال‌حاضر که بخش‌هایی از کشور هم‌زمان با دو بحران سیل و کرونا مواجه هستند، وزارت نیرو چه تدابیری برای تأمین آب مورد نیاز در مناطق سیل‌زده دارد؟

در میانه بحران کرونا باید به این واقعیت ساده؛ اما بسیار مهم اشاره کرد که ما در قریب به صددرصد جامعه شهرنشین ایران و در ۷۶ درصد جامعه روستایی، به‌راحتی به شبکه پایدار آب شرب و بهداشت در منازل دسترسی داریم- کرونا به خیلی اقسامش و به‌ویژه به‌گونه‌ای که همه با فاصله‌ای فاحش در مقایسه با بقیه، به هم‌وطنان ما در بخش بهداشت و درمان فشار آورد؛ ما همکاران من در بخش تأمین آب شرب و بهداشت هم به‌شدت تحت فشار قرار گرفته‌اند؛ زیرا مصرف آب در منازل بالا رفته و تأمین آب از تصفیه‌خانه‌ها به چالش تبدیل شده است.

میزان افزایش پرداختی تولید برای پاسخ‌گویی به افزایش مصرف در روزهای اخیر در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، بالغ بر ۱۲ درصد بوده است. این البته میانگین است و در برخی از شهرهای کشور رشد تولید زیادتر هم بوده و به‌عنوان مثال در شهرهای رشت ۵۸ درصد، قزوین ۶۰ درصد و بندرعباس ۲۳ درصد افزایش داشته‌ایم. همکاران ما در شرایط وقوع بیماری کووید-۱۹ و در شرایط تعطیلات نوروز و حتی محدودیت‌های ناشی از پروتکل‌های مربوط به جلوگیری از انتقال ویروس کرونا، وظیفه تأمین آب سالم و بهداشتی را انجام داده‌اند.

منابع و تأسیسات تأمین آب سه شهر در استان‌های فارس و بوشهر و ۲۷۸ روستا در استان‌های فارس، بوشهر، کرمان، هرمزگان و سیستان‌وبلوچستان در پی سیل اخیر به صورت جدی آسیب دیدند؛ اما دقت کنید که تا این لحظه یعنی صبح سه‌شنبه ۱۲ فروردین، فقط آب پنج روستا در استان سیستان‌وبلوچستان در شهرستان‌های سرباز، دلگان، نیکشهر و در ۲۵ روستا در استان کرمان به دلیل شرایط خاص منطقه و فروکش‌نکردن سیلاب در منطقه قوه قطع است و برای همین چند روستا نیز تا زمان رفع مشکل، از طریق تانکرهای آب‌رسانی سیار تأمین می‌شود. البته بارش‌ها ادامه دارد و شرایط سیلابی در برخی مناطق هست؛ بنابراین ممکن است در روزهای آینده هم مشکلات برای برخی مناطق ایجاد شود؛ اما همه شرایط لحظه به لحظه پایش می‌شود تا مشکلی از این نظر پیش نیاید.

ک آیا وجود بحران کرونا شرایط امدادسانی به مناطق سیل‌زده را برای وزارت نیرو دشوارتر کرده است؟

توافق‌نامه تخصصی واکنش سریع خدمات‌رسانی آب و فاضلاب در سال جاری و با توجه به پیش‌بینی وضعیت به صورت شبانه‌روز با تجهیزات کامل در محل خدمت حضور دارند. همکاران ما در شرکت‌های آب و فاضلاب از اوایل اسفند که مسئله کرونا پیش آمد، پیش‌بینی کرده بودند و الان به طور متوسط در هر روز پنج‌هزارو ۴۲۵ نیروی عملیاتی در قالب هزارو ۸۱۷ تیم عملیاتی برای مدیریت این وضعیت کار می‌کنند. درس آموزی از سیل‌های گذشته و به‌ویژه سال گذشته، بمعلاوه آماده‌ی، این امر را به ما می‌دهد که کمترین مبارزه با کرونا هستند. برنامه‌ریزی‌ها نیاز به مواد کندزدا برای کندزایی سطوح امکان عمومی، مراکز بهداشتی- درمانی و… افزایش چشمگیری یافته و در زمان‌هایی با کمبود این‌گونه مواد مواجه بوده‌ایم. شرکت‌های آب و فاضلاب سراسر کشور از تمام ظرفیت خود در تولید مواد کندزدا استفاده کرده‌اند و مزاد کندزای تولیدی را هم رایگان در اختیار متولیان و مسئولان مربوطه قرار داده‌اند. ۶۲۰ هزار لیتر آب‌ژلول به‌همین‌ترتیب تولید و توزیع شده است.

درست است که سؤال شما درباره بخش آب بود؛ ولی خوب است اگر بدانیم که بیماری کرونا برای شرکت‌های برق هم مشکلاتی ایجاد کرد. متأسفانه تعدادی از همکاران ما در بخش برق هم به ویروس کرونا مبتلا شده و چند نفر جان باخته. ماهیت تولید، انتقال و توزیع برق به گونه‌ای است که هرگونه تعطل در این زمینه باعث اعمال خاموشی و ایجاد خسارت‌های جبران‌ناپذیر به‌ویژه به بیمارستان‌ها و بخش‌های آموزشی خواهد شد که در خط مقدم مبارزه با کرونا هستند. برنامه‌ریزی‌ها در بخش‌های بهره‌بردار ی به گونه‌ای انجام شده است که شبک‌های آسیب‌دیده از سیل به‌سرعت بازسازی شوند و خوشبختانه مشکلی از این نظر وجود ندارد؛ اما نکته مهم اینجاست که بیماری کووید-۱۹ وقتی از راه رسیده که ما در اوج مصرف برق کشور قرار نداشتیم؛ اما یادمان باشد که فصل اوج مصرف برق در استان‌های گرمسیر ما در اواخر فروردین و میانه بهار از راه می‌رسد. امیادوریم به‌سرعت آیدیمی مهم مانده؛ اما اگر بیماری طولانی شود، با فصل اوج مصرف برق تلاقی می‌کند و آن وقت است که حفظ شبکی و تأمین برق مصرفی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی می‌گردد. ضرورت همراهی مردم در عمل به توصیه‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری را همه شنیده‌ایم. من از فرصت انتشار در رسانه‌ها استفاده می‌کنم که بگویم همراهی مردم در مصرف درست آب و برق هم برای غلبه بر بحران کرونا ضروری است.

ک نکته دیگری نیست که بخواهید بر آن تأکید کنید؟

اگر کل گفت‌وگوی من با شما را با دقت مرور کنید، بیش از هر چیز بر بین‌بخشی بودن مدیریت منابع آب تأکید کردم. مهم نیست با سامانه پیش‌بینی بارش و هشدار سیلاب سروکار دارید، مدیریت سد، تمهیدات سازه‌ای و غیرسازه‌ای مدیریت سیلاب با موفقیت و شکست در شورای عالی آب، همه اینها تجلی کار بین‌بخشی هستند. شکست و موفقیت آینده ما در زمینه مسئله آب تابعی از نهادینه‌کردن همین رویکرد یکپارچه بین‌بخشی به آب است. ما در وزارت نیرو فقط نوک یک کوه یخ هستیم که چندین بخش دیگرش دیده نمی‌شوند. ما به‌تتهایی موفق نخواهیم شد. آن دانش و رویکردی که من آرزو دارم به دست آید و مبنای عمل قرار گیرد و نتجکان را به تولید و تقویت این دانش رویکرد دعوت می‌کنم، دانش و رویکرد بین‌رشته‌ای و بین‌بخشی درباره آب است که از علوم فنی و سازه‌ای تا محیط زیست، اقتصاد و علوم اجتماعی را در بر می‌گیرد. ما به‌تتهایی موفق نخواهیم شد. رسانه‌ها هم نقش مهمی در پیشبرد چنین رویکردی دارند.

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۹

نگاه

آیا بالاخره راه فرار مالیاتی وکلا بسته می‌شود؟

رضا محمدی . کارشناس اقتصادی

● بعد از تحریم‌های شدید نفتی و مواجهشدن دولت با کسری شدید بودجه، دولت تلاش کرد تا منابع جایگزینی برای جبران کسری هزینه‌های عمومی بیابد. دراین‌بین مالیات بهترین منبع جایگزینی برای درآمدهای نفتی بود؛ اما از آنجاکه این درآمدها آن‌قدر نبودند که بتوانند جبران کسری کنند، دولت و مجلس تصمیم گرفتند تا به سمت پایه‌ها و منابع جدید مالیاتی بروند. ازجمله منابع مالیاتی که تا‌به‌حال با وجود ادعای قانون‌مداری، مالیات نمی‌داند یا مالیات چندانی پرداخت نمی‌دهد که آن‌ها بودند. قشر پردرآمدی که متناسب با درآمد خود هیچ وقت مالیات نداده است.

صنف وکلا که از قضا از خدمات دولتی نیز بهره‌مند است، برخلاف مسئولیت اجتماعی خود با استفاده از خلاه‌های موجود در قانون که خود به آنها واقف هستند، تلاش کرده‌اند تا خود را از پرداخت مالیات معاف کنند. آن دسته‌ای هم که مالیات می‌دهند، باز هم با کم‌اظهاری مالیات واقعی خود را نمی‌پردازند. مطابق گزارش سازمان امور مالیاتی در سال ۱۳۹۳، قریب به ۸۵ درصد وکلا مالیات نمی‌دهند. در برخی از این گزارش آمده است: «بررسی نحوه توزیع مالیات صنف وکلا نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ مالیات ۸۴٫۵ درصد از مؤبدان صفر و ۷٫۸ درصد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان در سال بوده است و فقط ۱٫۲ درصد از وکلا سالانه بالای پنج میلیون تومان مالیات می‌دهند». از سوی دیگر، براساس اظهارات رئیس سازمان امور مالیاتی از ۳۰۰ هزار حساب میلیاردی که به طور تصادفی بررسی شده‌اند، ۱۸ هزار حساب متعلق به وکلا بوده است که از این تعداد سه هزار نفر تاکنون هیچ مالیاتی نپرداخته‌اند. عدد ۱۸ هزار، دست‌کم یک‌سوم تعداد وکلا است و نشان‌دهنده این است که این قشر غالباً درآمد میلیاردی دارند که با مالیات پرداختی از سوی آنها سازگاری ندارد.

در همین راستا کارشناسان و نمایندگان مجلس نیز با تأیید فرار مالیاتی وکلا، آمار و ارقامی نجومی از این فرار مالیاتی مطرح کردند. میزان فرار مالیاتی وکلا از سوی کارشناسان و نمایندگان مجلس بین هفت تا ۱۲ هزار میلیارد تومان مطرح شده است که هرکدام از این ارقام باشد، تفاوت بسیار عظیمی با مبلغ پرداختی فعلی وکلا یعنی حدود ۲۴۰ میلیارد تومان دارد. البته شایان ذکر است که متفاوت بودن ارقام ناشی از نبود شفافیت درآمدهای وکلا است.

فرار مالیاتی وکلا در زمینه‌های مختلفی روی می‌دهد که یکی از آنها وجود دو نوع اوراق قرارداد بین وکیل و موکل است. درحال‌حاضر آنچه از موکل برای حقی‌الکاله اخذ می‌شود، قرارداد مالی می‌باشد که اغلب نسخه‌ای از تصویر آن است و به صورت محرمانه در دفتر وکیل باقی می‌ماند و آنچه به دادگاه ارائه می‌شود، فرم وکالت‌نامه است. مبالغ حق‌الکاله ذکرشده در این دو قرارداد بسیار متفاوت است. مبلغ اصلی توافق‌شده بین وکیل و موکل در قرارداد خصوصی و بایگانی در دفتر وکلا ثبت می‌شود و آنچه در وکالت‌نامه ارائه‌شده به دادگاه، ثبت می‌شود، بسیار ناچیز است. در حقیقت به خاطر تفاوت معناداری که بین تعرفه‌های مصوب و عرف جامعه وکالت وجود دارد، رقم وکالت واقعی حق‌الکاله‌های خود را ابراز نمی‌کنند و اغلب از عبارتی مانند «مطابق با تعرفه» در وکالت‌نامه استفاده می‌کنند.

برای ازبین‌بردن این گریزگاه مالیاتی، کمیسیون تلفیق مجلس در بند ۸ الحاقی تبصره ۶ لایحه بودجه سال ۹۹، مصوب کرد تا وکلا در سامانه مدنظر قوه قضائیه قراردادهای خود را ثبت الکترونیکی کنند و علاوه بر شفافیت درآمدهای مالی از طریق ازبین‌بردن قراردادهای خصوصی و حق‌الکاله‌های غیرآشکار، درآمدهای مالیاتی نیز افزایش یابد؛ اما این مصوبه با واکنش و اعتراض اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) رویه‌رو شد؛ به‌گونه‌ای که مرتضی شهبازی‌نیا، رئیس اتحادیه، در نامه‌ای به شورای نگهبان علاوه بر مخالفت با ماهیت این مصوبه وکالت خواندن این مصوبه اظهار کرد که قراردادهای وکلا در سامانه ثای قوه قضائیه ثبت می‌شوند و مالیات آنها نیز دریافت می‌شود. این مطلب به‌قدری عجیب بود که حتی واکنش برخی وکلا را نیز در پی داشت. در پاسخ اظهارات خلاف واقع رئیس اسکودا، حمرزه شکران‌زینی، مدیر مؤسسه حقوقی دادشهر ایرانیان، در نامه‌ای این مصوبه نگهبان تأیید این امر که اعتراض کانون وکلا به دلیل ترس از پرداخت مالیات است، کم‌اظهاری و ثبت‌نشدن قراردادهای مالی بین وکلا و موکلان را نیز تأکید کرد. او در بخشی از نامه خود آورده است: «گفته شده است که درحال‌حاضر قراردادهای مالی وکلا در سامانه ثای قوه قضائیه و در دفترچه‌های تمبر مالیاتی وکلا منعکس می‌شود. این مطلب به‌هیچ‌عنوان صحت نداشته و قراردادهای مالی وکلا جزو محرمانه‌ترین اسنادی است که میان وکیل و موکل تنظیم شده و متأسفانه بسیاری از همکاران بنده، حتی تصویر آن را در اختیار موکل قرار نمی‌دهند».

حتی‌بااینکه موکل قرار نمی‌دهد،